

## تحول توسعه شهرها در حکمرانی ولایتی ایالتی کرمان از عصر امپراتوری سلجوقی تا آغاز دوره آل مظفر

نجمه ملک پور<sup>۱</sup>

سینا فروزش<sup>۲\*</sup>

محمد بهرام زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

تقسیمات سرزمینی (نظام ایالات و ولایات)، از دیرباز، یکی از دغدغه‌های کهن حکومتگران سرزمین پهناور ایران بوده و حکایت از آن دارد که یکی از میراث‌های غنی سیاسی و اداری ایرانیان در این موضوع رقم خورده است. در این میان سرزمین کرمان، با توجه به تغییر محدود سرزمینی، حکومتها و تشکیلات سیاسی حاکم بر آن در طول تاریخ از مناطق مهم ایران به شمار می‌رفته است، و همواره به عنوان یکی از مراکز مهم حکومتی مطرح می‌شد که به مرکزیت این سرزمین نواحی مجاور آن اداره می‌شده است. موضوع این پژوهش مولفه‌های تأثیرگذار بر شهرهای کرمان از عصر سلجوقی تا عصر تیموری است. شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار (نظیر قومیت، قدرت، اقلیم و جغرافیا) بر نظام اداری، سیاسی و تقسیمات جغرافیایی اعمال شده در این سرزمین به چگونگی تقسیم‌بندی این منطقه در طول این دوران است. این پژوهش بر اساس روش تحقیق تاریخی و مبتنی بر منابع جغرافیانگاری و تاریخی انجام گرفته است. دستاوردهای این پژوهش عبارتند از: پژوهش درباره ولایات و شهرها و روستاهای ایالت کرمان و محدوده جغرافیایی ایالت کرمان در طی این دوره؛ بررسی عوامل گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مؤثر در بالندگی این مناطق از عصر سلجوقی تا عصر تیموری.

**واژگان کلیدی:** حکومت‌های ایالتی، گذار شهرها، حکمرانی ایالتی ولایتی کرمان، سلجوقی

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ ایران بعد از اسلام، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

\* sinaforozesh@gmail.com

۳. عضو هیات علمی بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۸

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و چهار، صص ۲۹۷-۲۷۹

## مقدمه

شناخت هر پدیده‌ای به درجه شناخت ما از فرآیند تاریخی آن پدیده بستگی دارد. فرآیند تاریخی بآن است که نحوه شکل‌گیری پدیده و عناصر موثر در آن را کشف کرده و سپس آن را در طول زمان مورد بررسی قرار دهد. به همین دلیل است که شناخت فرآیند تاریخی پدیده اهمیت خاص می‌یابد. فرآیندی که دو عنصر مکان و زمان به عنوان شرایط عام و دو عنصر اقتصادی-سیاسی و اجتماعی-فرهنگی که به عنوان شرایط خاص در آن جلوه می‌کنند، درک درست از دگرگونی‌هایی که در این عناصر رخ داده و می‌دهد، شناخت و تحلیل آنها امکانات و محدودیت‌هایی را روشن می‌سازد که پدیده در آن شکل یافته، زندگی کرده و تحول می‌یابد. بدین اعتبار، شناخت هر پدیده و درک فرآیند تاریخی و تحول آن به این دلیل اهمیت دارد که به مدد آن می‌توان به مسائل، تنگناها و سوالات مطروحه در وضع موجود پدیده پاسخ گفت و یا به سخنی بهتر، عوامل (چرایی) وضع موجود را باز شناخت. در اینکه چگونه شهرها بوجود آمدند، شاید آن را بتوان فقط در حیطه تصور جستجو نمود تا استنتاج حقایق قابل مشاهده. این را میدانیم که قدیمیترین تمدنها در حوزه بین‌النهرین و دره‌های رود نیل جای گرفته‌اند؛ مهمترین عامل ایجاد شهر را بایستی در مازاد تولید محصولات کشاورزی، توسعه شبکه راهها و تمایل بشر به ایجاد یک زندگی دسته جمعی در کنار یکدیگر جستجو کرد. رشد و توسعه شهرها بر اثر حوادث مختلف در تمام ادوار تاریخی دارای افول و صعود بوده است. گاهی شهرها چنان عظمت و توسعه‌ای یافته‌اند که بصورت یک دولت شهر در آمده‌اند. در دوره‌های بعدی شهرنشینی، به شهرهایی مثل آتن و اسپارت در یونان قدیم و شهر روم، بر میخوریم و با حرکت بسمت امروز، با شهرنشینی مشکل‌زا روبرو می‌شویم. توسعه شهرها، تأمین نیازمندیهای آنان، چاره‌جویی برای توسعه آینده شهر، اتخاذ تصمیماتی که بتواند مشکلات شهر را به حداقل برساند و بالاخره آنکه چگونه رابطه منطقی بین انسان و محیط طبیعی اش حفظ شود، به تحوالتی در امر شهرسازی منجر شده که صاحب‌نظران و متخصصین امور از اواخر قرن نوزدهم راه حلها و نظرات

مختلفی را در جهت توسعه شهر، نقشه، شکل و بافت آن ارائه داده‌اند. از آنجایی که منطقه کرمان دارای قدمت تاریخی زیادی است و به گفته بعضی از مورخان و پژوهشگران، سابقه سکونت و استقرار انسان در آن به هزاره چهارم قبل از میلاد می‌رسد و به شهادت اوراق تاریخ در طی قرون متمادی، دوران پر نشیب و فرازی را طی نموده و شاهد دگرگونیهای زیادی در گذرگاه‌های تاریخ حیات خویش بوده است.

بر اساس تاریخ مکتوب کرمان و یافته‌های باستانشناسی سرزمین کرمان از پیشگامان شهرنشینی در شرق و جنوب شرقی ایران بوده است. وجود پایگاه‌های شهری در جیرفت، تپه یحیی و تل ابلیس نشان از آن دارد که هزاران سال پیش از ورود اسلام به این سرزمین، کرمان از مراکز پر رونق شهری و از پایگاه‌های مهم سیاسی، تجاری و اقتصادی بوده است. و این مسئله ریشه در استعداد پایدار این منطقه و ظرفیت مناسب از لحاظ جغرافیایی و اقتصادی و اجتماعی آن برای رشد و رونق شهرنشینی دارد.

آگاهی ما بر این مسئله نه تنها بر اساس خرد آکادمیک، بلکه بر اساس دانش زیسته مردم این سرزمین که بسیاری از سنتهای متعالی دیرین را سینه به سینه حفظ کرده‌اند ناشی می‌شود. نقطه کانونی هویت این منطقه نه تنها در قرار گرفتن این منطقه در چهارراه ارتباطی بین و شرق و غرب و اقلیم و جغرافیای آن متمرکز است بلکه، ناشی از انباشت گسترده دانش و تجربه مردمان این سرزمین در جهت سازگاری و رشد و رونق مراکز زیستی آنان دارد.

سابقه سکونت و استقرار انسان در دیار کرمان نیز به هزاره چهارم پیش از میلاد بر میگردد. اوریل اشتاین اولین سیاح انگلیسی به اکتشاف دهها مرکز بزرگ و کوچک در کرمان اشاره می‌کند که مربوط به قبل از تاریخ می‌باشد. سرپرستی سایکس کشف مرکزی در خنیمان در غرب کرمان را که متعلق به دوران مفرغ است اعلام می‌کند (زنگی آبادی، ۱۳۷۰) قلمرو سلجوقیان کرمان که بخش مهمی از امپراتوری بزرگ سلجوقی را در بر میگرفت از هیرمند تا فارس و از دریای عمان تا طبرستان و یزد وسعت داشته و آنها توانسته بودند در این قلمرو وسیع حکومتی باثبات و مقتدر به وجود آورند که این اقتدار تا شروع جنگهای داخلی ادامه داشت. این امر در دوره قراختائیان که بعد از سلجوقیان از طولانی‌ترین حکومتها در کرمان بودند نیز مشهود است. (وزیری،

احمدعلی خان، ۱۳۵۳: ۶) تجارت بین‌المللی در ایالت کرمان در این دوران سبب به وجود آمدن انبارهای ذخیره کالا و نیز ایجاد مراکز تجاری در برخی ولایات شده بود. رسیدگی به امور عمرانی شهرها در این دوران نشان‌دهنده آگاهی حکمرانان کرمان به موقعیت تجاری ویژه کرمان بود. به خصوص اینکه مرزها و سرحداتی جغرافیایی این امارت نیز امتیازی بود که آنها می‌توانستند به تمرکز اداری و دیوانی پرداخته و نظام اداری منظمی بین پایتخت و سایر ولایات کرمان ایجاد کنند. به هنگام تسلط سلاجقه بر کرمان، چهار ایالت عمده کرمان، بردسیر، سیرجان، جیرفت و بم بوده است. تا قبل از آن دو شهر عمده و پایتخت در کرمان، سیرجان و بردسیر بودند که در طی رقابتهای سامانیان و آل‌بویه سیرجان به عنوان پایتخت شرقی حکمرانان بویهی حاکم بر فارس بود و شهر گواشیر (کرمان) نیز پایتخت حکومت آل‌الیاس در کرمان گردید. پس از افتادن کامل کرمان به دست آل‌بویه هم بردسیر و هم سیرجان تبدیل به دو شهر اصلی و مرکز نظامی این خاندان گردید. (رفعتی، ۱۳۸۶: ۸)

زمانی که در دوره سلجوقیان جیرفت در کنار شهر کرمان امروزی دارالملک کرمان بود، نه تنها جیرفت به اوج شکوفایی خویش در دوره ایران اسلامی رسید، بلکه شهرهایی که در مسیر ارتباطی کرمان - جیرفت و هرمز قرار داشتند نیز توسعه بیشتری یافتند. مغون، گلاشکرد، منوجانو کهنوج مرکز رودبار تاریخی از جمله شهرهایی بودند که از این جابه‌جایی بهره بردند و توسعه یافتند. (کلمرزی، ۱۳۹۶: ۱۲)

پیوند مرکز ایالت یا دارالملک با شهرها و ولایات و نقشی که آنها در برابر یکدیگر ایفا می‌کردند به خوبی در مراحل توسعه و تحول شهرهای ایالت کرمان قابل پیگیری است. شهرهای ایالت کرمان به رغم اینکه فاصله زیادی با هم و با مرکز کرمان داشتند، اما دارالملک به ولایات و شهرهای اطراف خود وابسته بوده است و شهرهای اطراف نیز به شبکه وسیع شهری و روستایی اطراف خویش وابسته بوده‌اند. و رابطه‌ای دوسویه بین مرکز و سایر نواحی ایالت بوده است. از یک سو، رونق و ثروت و آرامش مرکز شهرها، قصبه‌ها و ولایات اطراف وابسته بوده است. از سوی دیگر، امنیت و کارآمدی ولایات اطراف کرمان به تحولات اداری و سیاسی مرکز کرمان پیوند مستقیم داشته است. هر زمان در نتیجه شرایط سیاسی در این فرایند وقفه‌ای رخ می‌داد، ارتباط مرکز ایالت با

شهرهای اطراف به هم می‌خورد، جریان انتقال ثروت و امنیت صورت نمی‌گرفت، کشاورزی و تجارت از رونق می‌افتاد و در نتیجه عمران و آبادانی متوقف می‌شد و مهاجرت‌های بسیاری صورت می‌گرفت. این چرخه به شدت تأثیر خود را در رشد و توسعه انسانی و فیزیکی شهرها می‌گذاشت. (ترکمنی، ۱۳۸۶) در نتیجه مهاجرت‌های گروهی، بسیاری از محله‌ها خالی از سکنه می‌شد، آنگاه به تدریج برخی از بافت شهری تخریب و یا به مرور زمان نابود می‌شد. در اینجا قصد داریم به بررسی مولفه‌های تاثیرگذار بر توسعه شهرها و ولایات کرمان از عصر سلجوقی تا عصر آل مظفر بپردازیم.

۲۸۳

#### روش تحقیق:

به مانند دیگر پژوهش‌های تاریخی، در اینجا روش تحقیق تاریخی در پیش گرفته شد. که در این تحقیق مبتنی است بر تحقیقات کتابخانه‌ای در منابع تاریخی و استفاده از تحقیقات و آگاهی‌های میان رشته‌ای تا آنجا که برای نگارنده مقدور بوده است. از آنجا که مسائل و نظریات مطرح شده کنونی بایستی با داده‌های تاریخی، جغرافیایی و... در آن زمان انطباق داشته باشند تلاش شده تا در راستای این امر، از پیش‌داوری پرهیز شود.

#### تحولات رشد شهرها:

##### الف- بافت تاریخی:

بافت تاریخی را میتوان هسته اولیه هر شهر دانست. قلعه یا ارگ و آنچه که بعنوان پایه‌گذاری یک شهر جدید از زمانهای پیش ساخته شده، میتواند نام بافت تاریخی بخود بگیرد. در بافت تاریخی شهرها معمولاً ساختمان‌های قدیمی و بناهای با ارزش و هسته اولیه بازارها قرار دارد.

##### ب- بافت قدیم: شکل‌گیری شهر ایرانی - اسلامی:

بافت قدیمی بافتی است که به دور هسته اولیه شهرها یا بافت تاریخی تنیده شده است. انتهای مرحله زمانی شکلگیری این بافت به اواخر دوره قاجار میرسد. هسته اولیه شهرها که بافت قدیمی به دور آن تشکیل میشد، اغلب در محل تقاطع راههای قدیمی و باستانی مثل تهران و یا در نزدیکی نقاط با اهمیت مثل پلها، رودخانهها، همانند دزفول بوجود آمد. (پرتویی و خلعتبری، ۱۳۸۹)



تحول توسعه  
شهرها در حکمرانی  
ولایتی ایالتی کرمان  
از عصر امپراتوری  
سلجوقی تا آغاز  
دوره آل مظفر

### ج- بافت میانی؛ رشد آرام شهرها و شروع تغییرات کالبدی در آنها:

با شروع شهرسازی دوره جدید، بافت تازهای گرداگرد بافت قدیم تشکیل شد سال ۱۳۰۰ تا اوایل ۴۰۰ همزمان با شکل‌گیری بافت میانی شهرها، تغییرات کالبدی جدیدی نیز در بخش قدیم شهر صورت گرفت. خیابان‌های جدید، تخریب بافت قدیمی با ایجاد میادین در مرکز شهر و خیابانهای عمود بر هم شروع شد. بافت میانی نیز بموازات جاده‌ها رشد و گسترش یافت.

### د- بافت جدید؛ رشد شتابان شهرسازی و گسترش بیرویه شهرها:

با شروع دهه ۴۰ و با شدیدتر شدن تغییر و تحولات در اوضاع اجتماعی و اقتصادی کشور، بافت جدیدی به دور بافت قبلی شهرها شکل گرفت. با گسترش سریع شهرها و افزایش رشد شهرنشینی، سطح بسیار زیادی از اراضی اطراف شهرها به زیر ساختمان رفته و تعادل زیستمحیطی بین سطح شهر و باغات و اراضی کشاورزی بهم خورد. گسترش فیزیکی شهرها بدون برنامه و بدون هیچ نظارت و کنترلی از طرف سازمانهای دولتی صورت گرفت. با توسعه شهر، بتدریج بافت پیوسته شهر تبدیل به بافت گسسته شد و مشکلات بسیاری پدید آمد.

### ل- بافت پیرامونی؛ گسترش شهرسازی:

با افزایش جمعیت شهرها و مهاجرت شدید روستائیان به شهرها، نیاز به مسکن و خدمات شهری افزایش یافته و قیمت زمین بشدلات بالا رفت. مهاجرین فقیر به نقاط پست داخل و یا خارج شهر روی آوردند. بسیاری نیز در پشت دروازه‌های شهرها مستقر شده و تشکیل شهرکهای خودرو و بیبرنامه را دادند. از سوی دیگر بدنبال ایجاد کارخانجات متعدد و ایجاد ادارات گوناگون، شهرکسازیه‌ها و ایجاد مجتمعهای مسکونی اداری و کارگری و محلات جدا از شهرها ولی وابسته به آن شدلات گرفت .  
(منشی، ۱۳۹۴)

### م- بافت اقماری؛ گسترش ناپیوسته شهر:

این قسمت که از دهه ۶۰ تا اوایل دهه ۷۰ شکل گرفت شامل ایجاد شهرکهای گوناگون در اطراف شهرهای بزرگ بود. رشد سریع این شهر گونتها و رواج ساخت و سازهای بدون برنامه و اسکان جمعیت مهاجر، منجر به پیدایش یا دامن زدن به مشکلات بسیاری

شد عدم تعادل بین فضاهای شکل گرفته، شیوع مسائل اجتماعی، روحی و روانی و ... از جمله این مشکلات هستند.

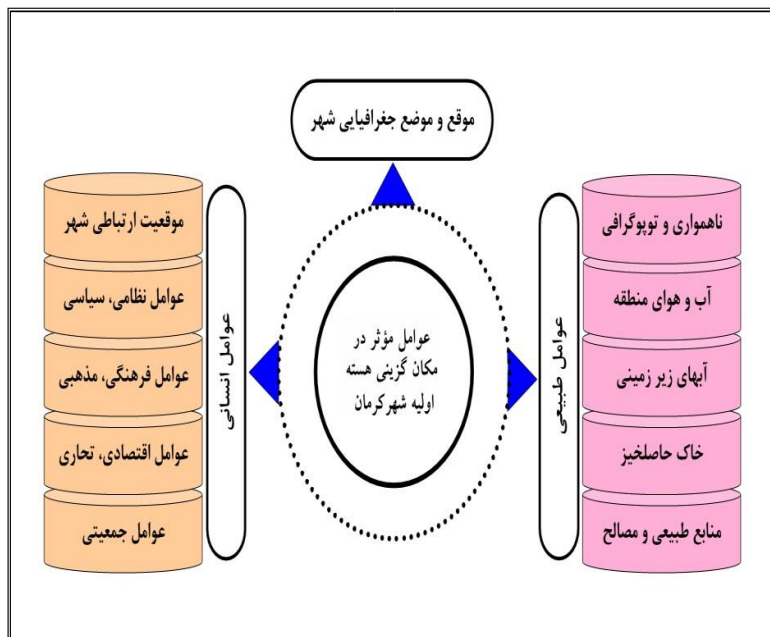
#### ن- گسترش متروپلی شهر به همراه ایجاد شهرهای جدید:

رشد سریع و وسیع شهرهای بزرگ چون تهران، پیدایش شهرکهای خودرو و متراکم شدن شهرهای کوچک و متوسطاندام اطراف این شهرها، منجر به پیدایش شبکه شهری گستردهای شد. شهرهای مادر که ناتوان در ارائه خدمات، تسهیلات و شغل به تازهواردین و جمعیت در حال رشد است، روز بهروز متراکمتر شده و به حالت انفجاری نزدیکتر میشود. بدنبال روبرو شدن شهرهای بزرگ با چنین مشکلاتی، تصمیم به ایجاد شهرهای جدید گرفته شد. ایجاد شهرهای جدید مرحلهای است که با گسترش متروپلی و رشد لجام گسیخته و بدون کنترل شهرهای بزرگ همراه بوده است (مستوفی، ۱۳۸۱)

۲۸۵



تحول توسعه  
شهرها در حکمرانی  
ولایتی ایالتی کرمان  
از عصر امپراتوری  
سلجوقی تا آغاز  
دوره آل مظفر



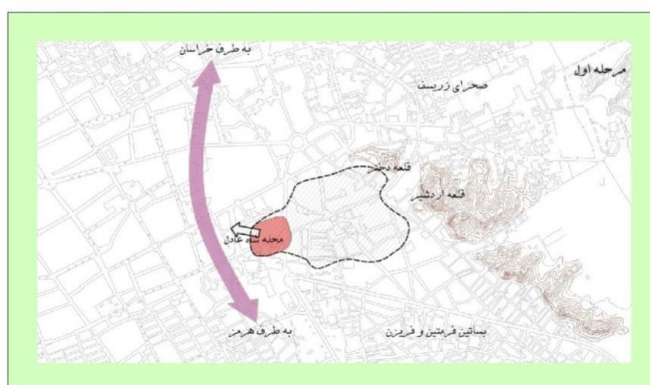
(عوامل مؤثر در مکان‌گزینی هسته اولیه شهر کرمان)

سرزمین کرمان از دیرباز شاهد شکل‌گیری تمدن‌های باستانی بوده است. اما آنچه مسلم است شهر کرمان از زمان حکمفرمایی اردشیر بابکان به عنوان یک مرکز نظامی در جنوب شرق ایران زمین مطرح گشته است (باستانی پاریزی، ۱۳۶۶: ۱۹۵). گواه این مدعا، علاوه بر آنچه در متون تاریخی نقل گشته شده است، ویرانه‌های دو قلعه بر فراز ارتفاعات جنوب شرقی شهر کرمان امروزی است، قلعه دختر و قلعه اردشیر به نظر می‌رسد که قلعه دختر پرستشگاه ناهید بوده و عملکردی آیینی داشته است و این در حالیست که قلعه اردشیر را می‌توان ارگ باستانی گواشیر (کرمان) قلمداد نمود. وجود بلندی‌های تسخیرناپذیر در منطقه کویری و نسبتاً هموار کرمان دلیل اصلی انتخاب این نقطه برای احداث این استحکامات بوده است. نظیر این انتخاب استراتژیک را در سایر شهرهای احداث شده در دوره ساسانی نیز می‌توان به روشنی مشاهده نمود. بیشاپور، قلعه دختر فیروز آباد فارس و نزدیک مملوس تر از همه ارگ بم همگی از انتخاب هوشمندانه شهرسازی ساسانی برای ایجاد کهن‌دژ در مرتفع‌ترین و تسخیرناپذیرترین قسمت حکایت می‌نماید.

### توسعه شهر در زمان سلجوقیان:

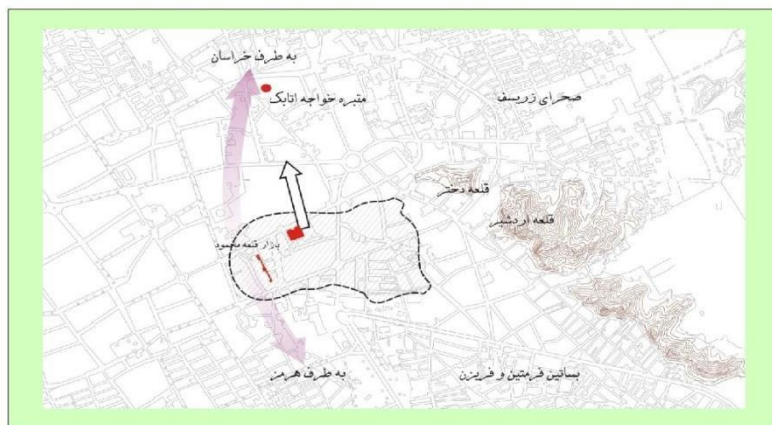
به نظر می‌رسد که اولین توسعه‌های شهر جدید کرمان در دوره سلجوقیان رخ داده است. ملک قاود سلجوقی پس از لشکرکشی به کرمان و از میان برداشتن حاکم آل بویه، جهت اسکان سپاهیان، محله شاه عادل را پایه‌گذاری نمود. و همچنین نطفه اولیه بازار اولیه کرمان نیز در همین زمان در محله شاه عادل شکل گرفته است (باستانی پاریزی، ۱۳۶۶: ۹۵).

### نقشه توسعه شهر کرمان در زمان سلجوقیان





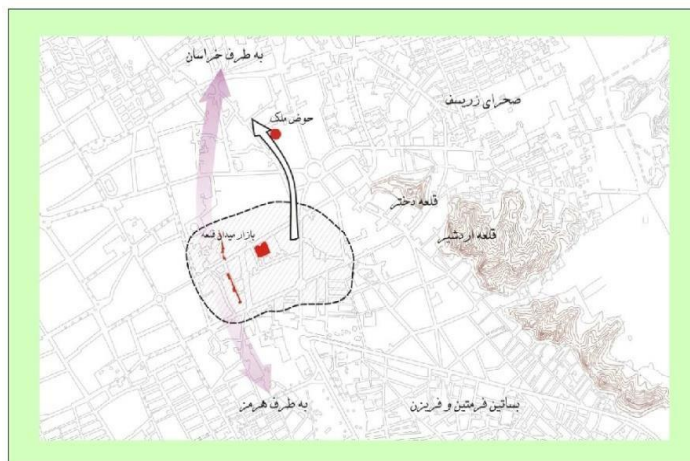
ملک تورانشاه سلجوقی در ادامه اقدامات عمرانی پدرش، مجموعه مسجد ملک را در شمال محله شاه عادل احداث نمود. ظاهراً این مجموعه تا دهه سی شامل بازارچه، حمام و تکیه نیز بوده است که تنها حمام آن باقی مانده است. روایات تاریخی محل این مسجد و مجموعه اطراف آن را در ربض (پروست) معرفی می‌نمایند و از بناهایی مانند محل اقامت خود تورانشاه، خانقاه، مدرسه و بیمارستان نام می‌برند که هم اکنون اثری از آنها نیست. (وزیری؛ ۱۳۶۶: ۴۲) قسمت جنوبی بازار کهن، که به بازار قلعه محمود معروف است نیز، در دوره سلجوقی ساخته شده. (پور احمد، ۱۳۷۶: ۸). رشد بازار کهن باز هم به سمت شمال ادامه یافته و همراه با آن شهر کرمان نیز به سمت شمال گسترش می‌یابد.



نقشه توسعه شهر کرمان در زمان سلجوقیان مرحله نهایی

### گسترش شهر در زمان غزها:

در اواخر قرن ششم هجری غزها به سرکردگی ملک دینار، سلجوقیان کرمان را از میان برداشتند. آب انبار حوض ملک منسوب به اوست. محل قرارگیری این مجموعه از تمایل شهر به گسترش رو به شمال حکایت می‌نماید.



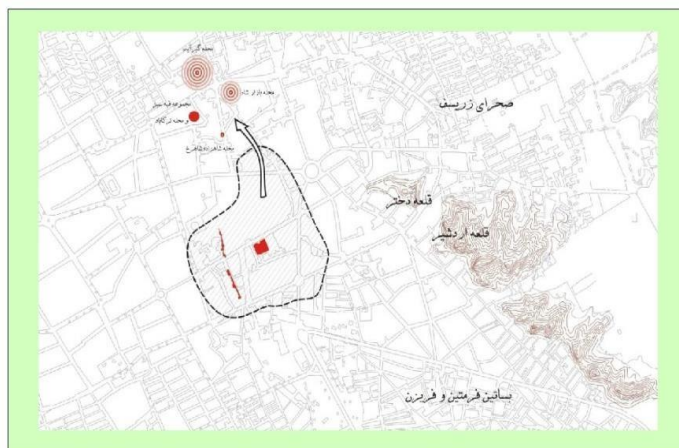
نقشه توسعه شهر کرمان در زمان غزها

### گسترش شهر در دوره قراختائیان

تحول مهم بعدی در شهر کرمان مربوط به دوره قراختائیان است. بنیان گذار این حرکت براق حاجب، موسس سلسله قراختائیان و ترکان خاتون بوده اند و محل آن در غرب محله شاه است. مجموعه ای که قبه سبز نام دارد و در دوران قراختائیان به تدریج احداث و توسعه می یابد و ظاهراً شامل تعداد قابل توجهی ساختمان ساده بوده است که از آنها فقط سر در مجموعه باقی مانده است. ساختمان ها شامل مدرسه عالی دلگشای و خانقاهی رفیع، و بیمارستانی شفا بخش بوده است. ظاهراً در این مجموعه مسجد جامعی نیز وجود داشته است.

این مجموعه یکی از عوامل مهم گسترش شهر به سمت شمال و آبادانی محله های شمال بازار بوده است. البته این مجموعه نیز، مانند اکثر اقدامات عمرانی صورت پذیرفته در طول تاریخ کرمان، ابتدا در خارج از محدوده شهر قرار شده است در همین دوره زرتشتیانی که از هند به موطن خود بازگشته بودند محله گیری در شمالی ترین قسمت بافت کهن را بنیان نهادند، به نظر می رسد که نطفه های اولیه محله های بازار شاه و شاهزاده شاهرخ نیز در همین دوره گذاشته شده است (مرادی، ۱۳۷۴: ۱۲). گسترش تدریجی شهر به سمت شمال منجر به از رونق افتادن شارستان ساسانی و تخریب

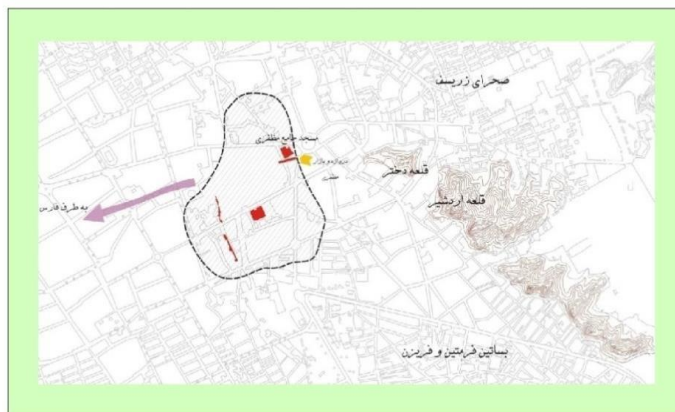
تدریجی آن گشت به شکلی که امروزه اثری از بخش های مسکونی گواشیر باستانی در دست نیست.



گسترش شهر کرمان در دوره قراختایان

### شهر کرمان در دوره آل مظفر

کرمان در دوره آل مظفر شاهد یک تصمیم مهم شهرسازی بود که تاثیر عمیقی بر ساختار شهر در دوره های بعد گذاشت. ایجاد مسجد جامع مظفري در شرق کرمان و احداث بازار مظفري با امتداد شرقي - غربی (برخلاف بازار کهن که شمالي - جنوبي بود). بعد ها منجر به شکل گیری راسته اصلی بازار کرمان در امتداد همین بازار شد. دلیل انتخاب این نقطه برای تاسیس مجموعه مظفري چندان آشکار نیست. اما امتداد شکل گیری بازار به سمت فارس ممکن است معلول شرایط سیاسی و اقتصادی آن زمان بوده باشد. نکته قابل توجه اینکه مجموعه مظفري در ابتدا خارج از محدوده شهر قرار داشت (وزیری، ۱۳۶۴: ۹). دروازه موسوم به مسجد نیز ظاهراً در همین زمان ساخته شده است. مسجد دیگری که در این زمان ساخته شد مسجد پامنار بود که آن هم بنا به روایات تاریخی خارج معموره شهر قرار داشت (ایمانی، ۱۳۸۳: ۳۵). البته متون تاریخی اشاره می نمایند که مسجد جامع مظفري تا قرن سیزده هجری همچنان خارج شهر قرار داشته است.



نقشه توسعه شهر کرمان در زمان آل مظفر

مولفه های تاثیرگذار بر توسعه شهرهای کرمان از عصر سلجوقی تا عصر آل مظفر در دوره سلجوقیان و قراختائیان به دلیل نحوه عملکرد حاکمان این سرزمین، تجارت و بازرگانی در این منطقه به اوج خود رسید. در دوره سلجوقیان قافله های تجار روم، خراسان، عراق، هند، حبشه، زنگبار، چین و دریابار از مسیر کرمان و یا به مقصد کرمان در حرکت و گذار بودند. مرکز تجارت مهم قمادین در جیرفت، گذشته از سرزمین های اشاره شده، مأمّن و محمل مالالتجاره، بازرگانان مصر، ارمنستان، آذربایجان و ماوراءالنهر بوده است. این سیاق در شهر بردسیر نیز برای کاروانیان بلاد گونه گون وجود داشته است. ثروت فراهم آمده از این تجارت سترگ، فضایی را مهیا می ساخت که در سایه امنیت بوجود آمده دواوین دولتی و اشکال نوین توسعه جغرافیای و تقسیمات کشوری شکل گیرد. در زمان قراختائیان، راه بندر هرمز و خبیص رونق یافت و بنادر جنوبی کرمان از جمله هرمز توسعه یافتند. در این دوران درآمد سرشاری از راهها و تجارت بدست میامد، از عمده ترین این راهها، راه بندرعباس و سیرجان و رفسنجان بود که به یزد منتهی میشد. همچنین شعبه ای از این راه از بم به شهداد و کرمان و بالاخره به خراسان میرسید. این عوامل سبب شده بود که ایالات و ولایات سرزمین کرمان از اهمیت ویژه ای برخوردار باشند. در این میان نقش حاکمان در آبادانی و گسترش راههای تجاری بسیار حائز اهمیت است.

سلطه قاورد سلجوقی بر بیشتر ایالت کرمان باعث ایجاد آرامش، ثبات و امنیت در کرمان شد؛ یکی از اقداماتی که قاورد و دیگر سلجوقیان کرمان در بیست ساله آخر حکومت شان در کرمان انجام دادند توجه به توسعه راهها و مسیرهای تجاری از طریق برقراری امنیت و ایجاد رباط بود. بحث امنیت و توجه به مسیرهای تجاری و نقشی که در رشد اقتصادی و رفاه کلی اقلیم کرمان در دوره سلجوقیان داشته، زمانی مهم تر جلوه می‌کند که در نظر گرفته شود که بیشتر مسیرهای تجاری هرروز تا قبل از قرن ششم هجری از اقلیم کرمان می‌گذشته است. برای هرروز تا قرن ششم هجری سه مسیر تجاری هرروز به جیرفت؛ مسیر هرروز به نرماشیر و مسیر هرروز به فارس کر شده است (وٹوفی، ۱۳۸۰: ۱۰۱). که دو مسیر در اقلیم کرمان بودند و از طریق کرمان به دیگر نقاط ایران، از جمله مرکز، خراسان و شرق دسترسی داشتند (کلمرزی، ۱۳۹۶: ۴۳۳).

در واقع رشد و توسعه شهرها با رشد و شکوفایی قدرت سیاسی حاکمان سلجوقی کرمان به گونه‌ای جدانشدنی پیوند خورده بود. ایالت کرمان در این زمان از وسعت قابل توجهی برخوردار بود. نتیجه رشد و شکوفایی سیاسی و امنیت ناشی از آن، به خدمت توسعه شهرنشینی در آمد؛ به گونه‌ای که کرمان در عهد ارسلان شاه اول «پر و بال عمارت بگسترد و با خراسان و عراق لاف مباحات حضرت و نظارت زد». رعیت در روزگار وی در رفاه و سلامت به سر می‌بردند «و ارباب عمایم در کسب علوم و تحصیل هنر شروع کردند»، و «از اطراف و اکناف آفاق طبقات علما روی بوی نهادند و قوافل روم و خراسان و عراق بل تمامی آفاق ممر خویش بهندوستان و حبشه و زنگبار و چین و دریابار باز سواحل کرمان افکنند و عمارت ربض شهر که در عهد عمش تورانشاه عادل بنیاد شده بود، متصل دیه‌های حومه شهر شد و در بلاد کرمان بقاع خیر بنا فرمود، از مدارس و رباطات» (کلمرزی، ۱۳۹۶: ۴۳۶).

اما بعد از این دوران و ورود غزان به سرزمین کرمان، شاهد افول همه جانبه شهرها و ولایات هستیم. مهاجرت غزها به کرمان به عنوان جابجایی گروهی از انسانها به صورت وسیع یا به عبارت دقیق تر ورود یک قوم جدید در بافت اجتماعی شکل گرفته ی یک ناحیه، پدیده ای اجتماعی است که نتایج خاص خود را نیز دارد. البته چنانکه پیدا است این جابجایی با قتل و تاراج همراه بوده و کلیه شئون زندگی اجتماعی کرمان، به ویژه

اقتصاد آن را تحت تأثیر قرار داد (رحمتی، ۱۳۹۲: ۱۵۴). ترک تازی این ایلات در کرمان، به ویژه قبل از آمدن دینار (۵۸۱ ه.ق) و بعد از مرگ دینار (۵۹۱ ه.ق)، اوضاع سیاسی - اجتماعی آن ایالت را به شدت آشفته کرد که «دوزخ را بر وی تفضیل می نهادند». این دوران آشفته‌گی، نتایج اجتماعی - اقتصادی معتناهی را در پی داشت که زوال سیستم سیاسی از پیامدهای آن بود.

از پیامدهای ورود غزان به کرمان، ناامنی مسیرهای ارتباطی بین شهرها و ولایات مختلف با مرکز ایالت و تشدید ناامنی سیاسی حاکمان سلجوقی و چندپارگی ایالت کرمان بود. این ناامنی و آشفته‌گی سبب از هم پاشیده شدن نظام اداری و تقسیمات سرزمینی حاکم بر شهرها و ولایات این دوره بود که به نوبه خود بر تمام ایالت تأثیر گذاشت. در اواخر دوره سلجوقی، بخش‌هایی از ایالت کرمان به قلمرو فارس و ملوک هرمز ملحق شده بود و بخش‌هایی از گرمسیرات کرمان نیز در اختیار حاکمان مقتدر محلی بود که به قدرت حاکمان سلجوقی کرمان چندان وقعی نمی‌نهادند. تقریباً اکثر شهرهایی کرمان، در سراسری سقوط قرار گرفتند.

اوضاع نامساعد سیاسی و امنیتی تأثیر بسزایی بر نظام ایالتی و ولایتی حاکم در اوایل قرن هفتم هجری گذاشته است. شواهد تاریخی حکایت از افول شدید ولایات و نظام اداری آنها در این زمان دارد. این افول از اواخر سلجوقیان\* شروع شده بود اما در دوره غزها و دو دهه اول قرن هفتم شدت یافت. به رغم تمام رفت و آمدهای سیاسی صورت گرفته در کرمان، بعد از سلجوقیان، هنوز بردسیر دارالملک و مهم‌ترین شهر کرمان بود (کرمانی، ۱۳۱۱: ۷۵). در این زمان، علاوه بر موارد ذکر شده، یورش همسایگان به این ایالت هم باعث شد که نظام اداری ایجاد شده به وسیله سلجوقیان از بین برود. تا قبل از به قدرت رسیدن قراختائیان، هم اتابکان سلغری فارس و هم ملوک شبانکاره دائماً در امور ایالت کرمان دخالت می‌کردند. جنوب و جنوب شرق کرمان در حوزه نفوذ ملوک شبانکاره قرار داشت و حاکمان شبانکاره‌ای به منوجان، گلاشکرد، رودبار، جیرفت و بم لشکر می‌کشیدند. شرق و بخش‌های مرکزی کرمان در حوزه نفوذ باقی مانده اقوام غز بود. شهرهای سیرجان و شهر بابک در غرب نیز در حوزه نفوذ اتابکان فارس و ملوک

شبانکاره قرار داشتند. شهرهای شمالی نیز کم و بیش در حوزه نفوذ خراسان و یزد قرار گرفته بودند. پیوند ولایات و شهرهای ایالت کرمان در دوره قراختائیان، همچون دوره سلجوقیان، پیوندی محکم و منطقی نیست. به عبارت دیگر، رابطه بین دارالملک بردسیر با شهرهای بزرگ (قصبه‌ها)، و مرکز آنها (مدینه‌ها) رابطه‌ای منطقی و دو سویه نیست. در دوره سلجوقیان، مرکز در خدمت قصبه‌ها و مدینه‌ها و آنها نیز به نوبه خویش در خدمت مرکز بودند. در این رابطه دو سویه، هم مرکز از ارتباط با شهرهای دیگر سود می‌جست، هم شهرهای اطراف از پیوند با مرکز استفاده می‌بردند. این رابطه متقابل، در رشد و توسعه مرکز و شهرهای دیگر تأثیر گذاشت. اما در دوره قراختائیان، جز در دوره زمامداری ترکان خاتون، شهرهای ایالت کرمان، چندان رابطه‌ای مستحکم و منطقی با مرکز نداشتند. عدم رابطه منطقی مرکز ایالت و شهرهای پیرامون، در رشد ناهمگون آنها تأثیر گذاشت. در حالی که دارالملک بردسیر، به شهری بزرگ، ثروتمند و چندملیتی تبدیل شده بود، شهرهای گرمسیرات کرمان، سیر نزولی خویش را طی می‌کردند (کلمرزی، ۱۳۹۸).

در زمان ترکان خاتون، از یک سو به دلیل کشمکش‌های داخلی مدعیان هرمز برای قدرت و از سوی دیگر نفوذ و قدرت ترکان خاتون، ملوک هرمز هم باج و خراج سالیانه را می‌پرداختند و هم هر از چندگاهی مال و منالی را به صورت پیشکش به دربار ترکان خاتون به بردسیر ارسال می‌کردند. خراج هرمز در زمان ترکان خاتون سالیانه مبلغ صد هزار دینار رکنی تعیین شد که به دارالملک فرستاده شود (تاریخ شاهی قراختائیان، ۱۳۸۹: ۴۰۱). سلجوقیان کرمان و قراختائیان بیش از تمام حکومت‌های محلی ای که بر ایالت پهناور کرمان حکومت رانده بودند توانستند بخش‌های مختلف ایالت کرمان را همچون زنجیری به هم متصل کنند. دو مرکز اصلی ایالت کرمان در زمان سلجوقیان که اتحاد و یکپارچگی کل ایالت به آن دو بود یعنی بردسیر که دارالملک اصلی و بیلاق آنها و جیرفت که دولت‌خانه و دارالملک قشلاق آنها بود. در این زمان به رشد و ترقی رسید در دوره غزان و قراختائیان نیز با توجه به ضمیمه‌های ایجاد شده در دوره قبل بردسیر همچنان دارالملک باقی ماند. از میان مؤلفه‌هایی همچون قومیت، سیاست، اقلیم و جغرافیا بر شیوه نظام‌بندی اداری و سیاسی این دوره به این نتیجه می‌رسیم که هر چند

مولفه اقلیم و جغرافیا در تمامی ادوار نقش محوری و کلیدی در رشد و رونق شهرها داشته است اما مولفه قدرت و سیاست و در کنار آن اقتصاد و تجارت در این دوران به خوبی توانستند نقش خود را در کنار مولفه جغرافیا در تحول شهرهای کرمان در قرن پنجم و ششم هجری ایفا کنند.

در دوره سلجوقیان و قراختائیان در نتیجه این اتحاد، بسیاری از شهرها در جاده توسعه و پیشرفت گام نهادند. شهرت و رونق بسیاری از شهرهای گرمسیرات کرمان از جمله جیرفت، بم، منوجان و هرمز در حقیقت حاصل سیاست‌های حکومتی حاکمان کرمان در اداره ایالت و برقراری امنیت راه‌های شمال به جنوب بود. در عوض برخی از شهر در این دوره به دلایل جغرافیای و ساسی کمی مغفول ماندند و دچار رکود تدریجی شدند. به عبارت دیگر عوامل سیاسی و نظامی را باید از دیگر انگیزه‌های مهم و اساسی رشد و رونق و یا افول شهرها و ولایات در این دوره دانست. حاکمان در این دوران برای حفظ قلمرو خود ناگزیر بودند تا از شهرها و ولایات سرحدی خود با سایر رقبیان محافظت کنند و در این راستا برای حفظ امنیت این مناطق برج و بارو و دیوار میساختند و امکانات رفاهی از جمله قنات و خندق‌های آب حفر میکردند.

با شروع اختلافات و پیدایش مدعیان مختلف در این دوران، این درگیریها به تدریج باعث گردید زیرساختهای اداری و اقتصادی ایجاد شده بین مرکز حکومت و سایر ولایات از هم پاشیده شود و با از بین رفتن امنیت، آنها، پایگاههای مردمی خود را نیز از دست دادند و بسیاری از شهرها علی‌رغم دارا بودن جغرافیا و اقلیم مناسب و قرار گرفتن بر سر راههای تجاری مهم، دچار رکود و افول شدند.

### نتیجه گیری

از مطالعه و بررسی تاریخ کرمان در دوران مورد مطالعه این پژوهش ما را به این واقعیت آشکار رهنمون می‌شود که ساده انگاری است که تنها یک عامل و یک مولفه، خواه اقلیم و جغرافیا و خواه سیاست و موقعیت ارتباطی یک شهر را عامل اصلی توسعه آن شهر دانست این دقیقاً همان نکته مهمی است که مقدسی در احسن التقاسیم تلاش کرده است آن را نشان دهد. حتی همین امروز نیز چنین است. هرگاه حکومتی به کمک طرح‌های کلان کشوری در جغرافیای یک منطقه دست برده و جاده ای، کارخانه‌ای



بزرگ یا بندری ایجاد کرده است یا قدرت تصمیم‌گیری بیشتری به شهری داده آن شهر به سرعت در مسیر توسعه و تحول گام نهاده است. این مسئله در بسیاری موارد هیچ ارتباطی به قابلیت‌های جغرافیایی و طبیعی منطقه یا شهر ندارد. در بسیاری موارد ممکن است شهری تنها در نتیجه قرار گرفتن در اولویت مذهبی حکومت‌ها در مسیر توسعه و تحول گام نهد. اما با عوض شدن حکومت‌ها یا اولویت‌ها، این شهرها نیز دچار رکود خواهند شد. تنها شهرهایی برای همیشه در مسیر توسعه و تحول خواهند بود که عامل جغرافیای طبیعی مناسب تری داشته باشند. به رغم تمام تحولات سیاسی، اصلی‌ترین شهرهای ایالت کرمان از گذشته تا کنون عبارت بوده‌اند از سیرجان، کرمان، جیرفت و بم که جغرافیای طبیعی مناسب تری دارند. در مرحله بعد، بدون شک رودبار تاریخی و کهنوج خواهند بود به شرط آنکه توسعه انسانی آنها در کنار جغرافیای طبیعی قرار گیرد. حاصل عمده این پژوهش در این خلاصه میشود که ساده‌انگاری است از میان مؤلفه‌های مؤثر شیوه حاکمیت بر کرمان نظیر قومیت، طبیعت، حاکمیت، تجارت و...، تنها یک یا دو مؤلفه را عامل تأثیرگذار بر شیوه حکومت و نظام اداری و تقسیمات سرزمینی این ایالت دانست. هر چند نمیتوان تأثیر برخی از این عوامل را بیشتر دانست. به عنوان مثال ولایات کرمان از آن جهت ثروت و رونق بسیاری در دوره قراختائیان داشتند که حکومتی شایسته بر آنها حکومت می‌کند. در حقیقت بین اغلب مؤلفه‌های ذکر شده پیوند و رابطه‌ای همیشگی وجود داشته است. چنین پیوندی در تمام لایه‌ها و جنبه‌های توسعه و تحول ایالت کرمان در طول تاریخ برقرار بوده است. در صورتی که اگر تنها عامل جغرافیا یعنی خاک حاصلخیز، آب کافی و هوای مناسب یا عامل ارتباطی (موقعیت مناسب جاده‌ای، قرار گرفتن بر سر راه تجاری بین‌المللی یا غیره) یا عامل قدرت (استقرار حکومت مرکزی یا قلعه نظامی و غیره) در نظر گرفته شود، هیچ کدام از ولایات و شهرهای ایالت کرمان همگی آنها را در کنار هم نداشته و ندارند. همین عامل باعث شده است که مرکز ایالت کرمان در طول تاریخ شهرنشینی در دوره پیشامدرن، از شهری به شهر دیگر منتقل شود. تنها هر زمان، دو یا چند عامل اساسی در کنار هم قرار گرفته‌اند یک شهر به سرعت در مسیر توسعه و پیشرفت قرار گرفته است. حتی همین امروز نیز چنین است. هرگاه حکومتی به کمک طرح‌های کلان‌کشوری در جغرافیای

یک منطقه دست برده یا قدرت تصمیم‌گیری بیشتری به شهری داده آن شهر به سرعت در مسیر توسعه و تحول گام نهاده است. این مسئله در بسیاری موارد هیچ ارتباطی به قابلیت‌های جغرافیایی و طبیعی منطقه یا شهر ندارد. در بسیاری موارد ممکن است شهری تنها در نتیجه قرار گرفتن در اولویت مذهبی حکومت‌ها در مسیر توسعه و تحول گام نهد. اما با عوض شدن حکومت‌ها یا اولویت‌ها، این شهرها نیز دچار رکود خواهند شد. تنها شهرهایی برای همیشه در مسیر توسعه و تحول خواهند بود که عامل جغرافیایی طبیعی مناسب تری داشته باشند.

### منابع

- ابن خردادبه (۱۳۷۱)، مسالک و ممالک. ترجمه سعید خاکرند، با مقدمه‌ای از آندره میکل. تهران: موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل
- ابن فقیه، ابو بکر احمد بن محمد بن اسحاق (۱۳۷۹). البلدان، ابن الفقیه ترجمه مختصر، محمدرضا حکیمی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران
- احمدی کرمانی. شیخ یحیی (۱۳۸۶). فرماندهان کرمان. تصحیح باستانی پاریزی. تهران: نشر علم. ایشپولر، برتولد (۱۳۸۴). اوضاع سیاسی ایلیخانان. ترجمه و تالیف یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی
- افضل الدین کرمانی، ابوحامد (۱۳۱۱). عقد العلی للموقف العلی. به تصحیح و احتمام علی محمد عامری نائینی. تهران: چاپ مجلس
- افضل الدین کرمانی، ابوحامد (۱۳۳۱). المضاف الی بدائع الأزمان فی وقایع کرمان، تصحیح عباس اقبال، چاپ مجلس
- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۴۶). تحریر تاریخ و صاف. تهران: بنیاد فرهنگ ایران
- پرتوی مقدم، عباس و الهیار خلعتبری (۱۳۸۹)، «ویژگی‌های تاریخی و مولفه‌های جامعه شهری ایران در اواخر دوره ساسانیان»، تاریخ ایران، شماره ۶۵/۵، تابستان، ص ۴۹ تا ۷۰.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۸۹). «نقش هوشمندی و تدبیر سیاسی حکومتگران در ایجاد امنیت و توسعه جامعه مطالعه موردی حکومت ترکان خاتون قراختایی در کرمان». مجله جستارهای تاریخی. سال اول. شماره ۱. بهار و تابستان.

- رفعتی، حسین (۱۳۸۶). جیرفت در آینه تاریخ. کرمان: مرکز کرمانشناسی
- زیگفرید، گیدیشن (۱۳۵۴)، فضا، زمان و معماری، ترجمه منوچهر مزینی، تهران: بینا
- عبدالرضا، کلمرزی (۱۳۹۸). هزار سال تحول شهری در ایالت کرمان. تهران: نشر اختران
- عقیلی، عبدالله (۱۳۷۷). دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار
- کلمرزی، عبدالرضا (۱۳۹۶). «فراز و نشیب شهرهای ایالت کرمان در دوره سلجوقیان بر اساس نظریه جغرافیای شهری مقدسی.» مجموعه مقالات همایش جغرافیای تاریخی. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱). نزهة القلوب. تصحیح محمددبیر سیاقی. قزوین: نشر حدیث امروز
- منشی کرمانی، ناصر الدین (۱۳۹۴). سمط العلی للحضرة العلیا. تصحیح مریم میرشمسی. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار
- وثوقی، محمد باقر (۱۳۸۰). تاریخ مهاجرت اقوام در خلیج فارس؛ ملوک هرموز. شیراز: دانشنامه فارس
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۷۳). جامع التواریخ. به تصحیح و تحشیه محمد روشن، مصطفی موسوی. تهران: البرز
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۵۶). البلدان. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی